



ناصر جوادی

میانکاله

درباره پروژه‌های که آخ نمی‌گویند



کامران باری
کارتون‌نویس



بینه بیسانو کشوری است در حوالی گینه بیسانو، بالاتر از دهانه بیسانو که دقیقاً بین گونه بیسانو شرقی و گونه بیسانو غربی قرار گرفته است. مناطق شمالی این کشور دارای خاکی حاصلخیز و آب فراوان است که بستر رشد انواع گیاهان و درختان جنگلی را فراهم آورده. بجز استادیوم‌های فوتبال باقی زمین‌های شمال بینه بیسانو سرسبز و حاصلخیز است، حتی آسفالت‌های کف خیابان. مردم بینه بیسانو برای استفاده از همین زیبایی‌های طبیعی، تمام روزهای تعطیل رسمی و غیررسمی و بین‌التعطیل‌شان را در این منطقه به زدن جوج مشغولند. شمال بیسانو از تراکم نسبتاً خوب اکبر جوجه و کته کباب هم برخوردار است که به جذابیت‌های آن افزوده است. اما متأسفانه مردم و مسئولان بینه بیسانو قدر این نعمت طبیعی و الهی را نمی‌دانند و برخورد نامناسبی با آن دارند. می‌دانم که باورش برای ما سخت است ولی مردم بینه بیسانو وقتی برای تفریح به جنگل و ساحل شمال‌شان می‌روند، زباله‌های‌شان را همانجا رها می‌کنند. آنها با شکستن شاخ و برگ درختان زغال مرغوب دوسیب نعنای‌شان را فراهم می‌کنند. حتی اگر موارد قبلی را باور کرده باشیم، باور اینکه بعضی از مردم بینه بیسانو جنگل و مراتع را تخریب و در آن ویلا می‌سازند برای هیچ ایرانی باورپذیر و قابل تحمل نیست اما متأسفانه این پدیده هم در بیسانو رواج دارد.

اخیراً در منطقه‌ای معروف به میانکاله بیسانو که صرفاً با میانکاله خودمان تشابه اسمی دارد، کلنگ احداث یک پتروشیمی به زمین خورده که باعث ایجاد نگرانی در بین بومیان منطقه، فعالان محیط زیست و مردم و مسئولان این کشور شده است. حتماً بعد از خواندن دو سه جمله قبلی مشغول خوردن خرما و خواندن فاتحه

برای پروژه مذکور هستید. حق دارید، همه چیز را با کشور خودمان می‌سنجید. بله در کشور ما محال است همینجور کارشناسانه و برخی کلنگ احداث یک پروژه زمین بخورد و در واقع هیچ کلنگی زمین نمی‌خورد مگر اینکه قبل از آن تمام ابعاد قضیه مورد بررسی قرار بگیرد و همه منافع و مضرات انجام یک کار را سبک و سنگین کند. بر فرض محال هم اگر سهواً کلنگی بدون انجام این مراحل به زمین بخورد، بعد از مخالفت قاطع مردم و مسئولین، آن پروژه به خاطرهما می‌پیوندد.

اما در بینه بیسانو قضیه فرق می‌کند. در دل مناطق تاریک این کشور قبیله‌ای زندگی می‌کنند که به آنها وصلی‌ها می‌گویند. اهالی این قبیله استعداد زیادی در وصل شدن دارند. از وصل شدن به وای فای همسایه بگیر تا وصل شدن به وزیر وکیل و سفیر. ظاهراً پیمانکار پروژه میانکاله بیسانو که باز هم تأکید می‌کنم صرفاً با میانکاله خودمان تشابه اسمی دارد، از اهالی همین قبیله است. اینکه او دقیقاً به چه کسی یا کسانی وصل است مشخص نیست. اما کیفیت وصل جوری است که تا به حال با وجود تجمع، تخصص و حتی تضرع مردم و فعالان محیط زیستی و مخالفت مسئولان، خللی در کار این پروژه ایجاد نشده و هر بار بعد از مخالفت‌ها با گفتن جمله «خلی تأثیرگذار بود» به کارش ادامه داده است.

البته برخی از کارشناسان و صاحب‌نظران در بیسانو به طور کلی وجود قبیله وصلی‌ها را تکذیب کرده و آن را افسانه و شایعه می‌دانند. این گروه دلیل ادامه فعالیت این پروژه و رشدش با وجود مخالفت‌های عمومی را صرفاً حاصلخیز بودن خاک منطقه می‌دانند.

اما پیمانکار طرح مذکور بدون توجه به این نگرانی‌ها همچنان در حال ساخت و ساز است.

ترجیحاً رتبه‌بندی را قبل از مرگ اعمال کنید



مهدی امین
معماری

روزگاری موبایل داشتن ارج و قرب داشت. اینجور نبود که بروی در مغازه چند میلیون پول بدهی و یک گوشی برای بچه‌ات بخری تا با آن بازی کنی. باید چند ماه حقوق را جمع می‌کردی تا برای دریافت سیمکارت ثبت‌نام کنی. بعد هم چند ماه دیگر پس‌انداز می‌کردی تا خود گوشی را بخری. برای همین هم آن را بغل کمر بند می‌بستند تا همه بفهمند که این آدمی که از این‌جا رد می‌شود، آدم کمی نیست و خیلی خفن است.

نقل است یک نفر سیمکارت ثبت‌نام کرد بعد یک کاغذ چسباند بغل کمر بندش با این عبارت که «بیزودی در این مکان یک دستگاه موبایل نصب خواهد شد». اینها را گفتم که یکجوری ریشش بدهم به طرح رتبه‌بندی معلمان. افزایش حقوق معلمان هم مثل همین کاغذ چسباندن بغل کمر بند است. یعنی هنوز هیچ اتفاقی نیفتاده و ریالی جا به جا نشده، تمام رسانه‌های رسمی و غیررسمی و داخلی و خارجی آمدند پای کار و به همه اعلام کردند که طرح رتبه‌بندی معلمان که ۱۴-۱۵ سال معطل بود، بالاخره تصویب شد و حقوق معلمان از همین فردا پس فردا با کلی افزایش، ۸ تا ۱۷ میلیون تومان خواهد شد. ۷ شبانه‌روز هم خبر را تکرار کردند.

خبر فوت مرحوم هاشمی را ۳ شبانه‌روز گفتند. کم مانده بود صوت خبر را ضبط کنند و با اولین ماهواره پرتابی بفرستند به فضا تا اگر آدم فضایی‌ها آن را یافتند، باخبر باشند که یک سیاره‌ای وجود دارد که معلمانش قرار است چنین آپشنی دریافت کنند. خلاصه این خبر را که گفتند از فردایش من معلم هر مغازه‌ای می‌رفتم داستان داشتیم. رفتم بنیر بخرم، فروشنده گفت به‌به آقای معلم قابل شما را ندارد ۳۰ هزار تومان. گفتم فدای شما! ولی تا دیروز ۲۰ تومان بود. گفت آقا شما که ماشاءالله کلی به حقوق‌تان اضافه کردند، زشت است سر ۱۰ تومان چانه بزنید. صاحبخانه رنگ زد گفت آقا معلم حالا که کلی حقوق‌تان زیاد شده از سر سال ۲ میلیون به اجاره اضافه می‌کنم. پلیس می‌خواست جریمه کند کلی التماسش کردم که نویس سرکار، پرسید شغل چیست؟ گفتم معلمم. گفت خب شما که وضع‌تان خوب شده بیا این را بپرداز اینقدر خسیس نباش. بدبختی این است که کسی هم باور نمی‌کند خبری نیست و آن همه جار و جنجال هیچ بوده و عزیزان مسئول فقط ماه به ماه مهلت‌شان را تمدید می‌کنند.

چند ماه اول گفتند داریم بررسی می‌کنیم ببینیم با اجرای رتبه‌بندی، افزایش حقوق ۶ ماهه اول سال ۱۴۰۰ را بدهیم یا خیر. بعد گفتند نمی‌دهیم. گفتیم اشکال ندارد خب چرا ۶ ماهه دوم را نمی‌دهید؟ گفتند داریم بررسی می‌کنیم که پول ۶ ماهه دوم را از کجا بیاوریم. بعد گفتند سال جدید که تحویل شد، هم پول رتبه‌بندی را می‌دهیم هم افزایش حقوق سالانه کارمندان دولت را. باز هیچکدام را ندادند. گفتند هفته معلم می‌دهیم که همزمان با پرداخت‌ها، مقام معلم را هم گرامی بداریم. هفته معلم هم گفتند از مهر ماه سال جاری اجرا می‌کنیم. احتمالاً مهر ماه هم قرار است چند ماه بررسی کنند ببینند اصلاً سال گذشته را بدهند یا خیر. یک چیزی است مثل طرح شفافیت آرای نمایندگان که همیشه می‌گویند در دستور کار هفته آینده مجلس است. پیشنهاد می‌کنم عزیزان یک کم خلاقیت داشته باشند. شخص چوپان دروغگو هم مدام خطر گرگ را اعلام نمی‌کرد و هر ده تا یکی می‌گفت پلنگ حمله کرده. البته آدمی به امید زنده است. منتها می‌ترسم این رتبه‌بندی‌ها آخر سر به عمر هیچکدامان قد نهد و به رتبه آخرت‌مان گره بخورد.

ما چرا نمی‌میریم؟!



مهدی امین
معماری

یکی از باورهای غلط و رایج در جامعه ما این است که فکر می‌کنیم پیشینیان ما عمرهای درازتری از ما داشته‌اند و حتی بدتر اینکه فکر می‌کنیم حتماً از نظر جسمی سالمتر بوده‌اند که عمر درازتری داشته‌اند در حالی که اصلاً این‌طور نیست و بنده به شخصه معتقدم که ماها چندین برابر آنها سخت جان هستیم!

ببینید... الان ما چی می‌خوریم؟ بجای آلبیومو که مخلوطی از عصاره گاه و اسید سیتریک نوش جان می‌کنیم (حتی خود چارپایان عزیز که با ولع گاه را نوش جان می‌کنند دیده نشده که لب به آب گاه یا شربت گاه یا همچنین فرآورده گاهی بزنند اما ما می‌خوریم!) بجای ماست روغن پالم با طعم شیر می‌خوریم! بجای کالباس و سوسیس ترکیبی از ناخن و روده مرغ با چاشنی نعل

در باب انگیزه رژیم اشغالگر از کشتار خبرنگاران



نازنین
اسمائیل‌زاده



دوبیتی جمعیتی!

آینده چو پیچیده کلافی باشد!
یک جامه که از هم بشکافی باشد!
یا بچه بیار یا درختی بنشان!
تا اینکه عضا به قدر کافی باشد!

■ امین شفیعی

پیرمردی به شی بیامیه میهمان کردم
گفت من عمر خودم صرف جوانان کردم
و نگاه به زنش کرد و به آوازی گفت:
کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم

■ مهنا صادقی

در رشد جمعیت سزد کوشید
وز خستگی‌ها چشم درپوشید
ور نه به جای بسته پوشک
باید که ایزی لایف بفروشید

■ ابوالقاسم سیفی

مجمع خیرینی، سرور سربلندان
لیک نمی‌کنی تو رفع نیاز چندان!
جامعه رو به پیری ست! مدرسه‌سازی‌ات چیست؟!
اولویت کدام است؟! خانه سالمندان!

■ محمد عظامی

من کودکم و همیشه در کنکاشم
هم دکتر و هم مهندس و نقاشم
تا بازی تیمی بکنم، بابا جان
محتاج سه تا خواهر و شش داداشم!

■ مهدی امام‌رضایی

در معرض انقراض هستیم، چطور؟
کشور شده از پیر و پاتال گویا پر
آینده کسی نیست به یاد ماها
اینگونه شویم کمتر از دایناسور

■ طاهره ابراهیم‌نژاد